

بانگاه حکومت اسلامی فقط در میان توده های محروم قرار دارد

قسمت چهارم

در قسمتهای پیشین بخش هایی از آغاز نامه امام علی (ع) به سردار رشیدش، مالک اشتر را مورد بررسی قرار دادیم که محور های اصلی آنها به ترتیب عبارت بود از: «عبودیت» و اطاعت کامل از خداوند «تقوی» و توجه به مسائل خصلتی، علاقه قلبی و دوست داشتن حقیقی توده های مردم، و بالاخره آخرین مطلبی که مورد بررسی قرار گرفت، «دوری جستن از خودخواهی و خودمحوری» بود، اکنون این منشور حکومتی اسلام را با هم مطالعه و بررسی می نمائیم، باشد که شناخت ما از اسلام دقیقتر و در حکومت وزمامداری و در مسائل اجتماعی ما، امام علی (ع) می خوانسته اند، عمل عاقلیم و چهره واقعی اسلام را متجلی سازیم، حضرت در نامه اش به مالک اشتر چنین ادامه می دهد:

درباره خدا و در مسائل مردم انصاف داشته باش (این انصاف) در رابطه با خودت و نزدیکان و انکسانی را که دوست می داری، می باشد زیرا اگر چنین انصافی

ستمگری نیست زیرا خداوند شنونده فریاد ستمدبندگان است و او در کمین ستمگران نشسته است.

در اینجا امام اشاره می فرماید که اگر بین زورگان و دوستان با مردم تفاوت بگذاری، ظلم کرده ای و ظالم غیر از دشمنی با مردم، با خداوند مردم نیز درستیز است و پس از این بیان به یک سنت الهی اشاره می فرماید که هیچ چیز از ظلم در برانگیختن خشم خداوند، مؤثر تر نیست و خداوند در کمین ستمکاران نشسته است و این همان سنت خداوندی است که در هر روز تاریخ جاری شده است و هر کس در «بها»، شاهد شده است، نمونه آن است و چنین است که پیامبر برگوار اسلام می فرماید: الملک یقی مع الکفر ولا یقی مع الظلم که حکومت و قدرت با کفر باقی می ماند ولی با ظلم هرگز! زیرا که کفر اگر فقط در مرحله اعتقادی باشد مسئله ای بین انسان و خدا خواهد بود، ولی ظلم در رابطه با انسان و خدا مردم خواهد بود.

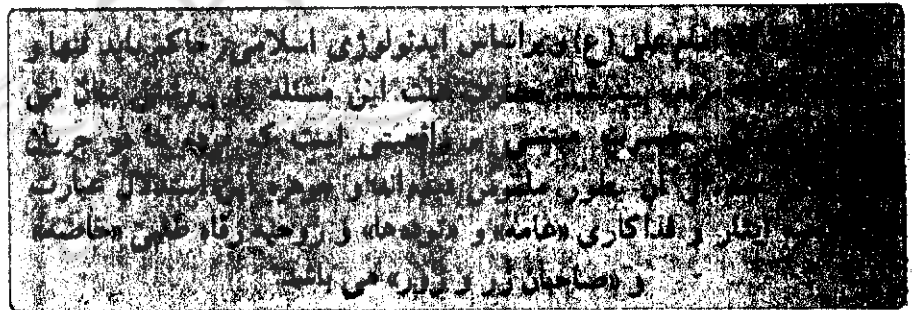
امام علی (ع) پس از بیان اصول اساسی به

رضایت اقلیت های خاصی را از میان برده ولی نارضایتی «خاصه» و اقلیتها با رضایت «عامه» و توده های مردم بخشیده می شود، و هیچکس از مردم، بروالی سنگین بارتر در راحتی، و کم کمک کننده تر در سختی، و ناراحت تر از عدالت و درخواستن پراضرارتر.

و کم سیاسی تر در بخشش، دیرعذر پذیرنده تر در هنگام رد، و کم طاقت تر در هنگام سختی های روزگار، از اهل «خاصه» و «خواص» نیست. و همانا ستون دین و جمعیت مسلمین و امامان برای نبرد «عامه» و توده های مردم هستند که تو باید با آنان همراه بوده و نسبت به آنان میل و رغبت داشته باشی.

در این سخنان پربار امام، مردم را کلا به دو دسته تقسیم نموده است:

«عامه» و «خاصه»، «عامه» یعنی عموم، یعنی همه، یعنی توده های مردم و «خاصه» یعنی خواص، یعنی اقلیتها، یعنی صاحبان زور و زور و تزویر و این دو طیف در تمام جوامع انسانی می می باشند و یک حاکم اسلامی بر اساس اهداف اسلام و آیات قرآن و گفتار پیامبر و امامان و همین فرمایشات حضرت علی (ع) باید تنها و تنها به مردم و به «عامه» بیندیشد، حضرت علت این مسئله را به روشنی بیان می دارد، استدلال حضرت مبتنی بر واقعیتی است که مردم ما در جریان انقلاب و بعد از آن بطور ملموس دیده اند، راستی چه کسانی در جریان انقلاب به پیشواز گلوله ها رفتند؟ چه کسانی بانگ تکبیر بر فراز ماها بلند کردند؟ چه کسانی بعد از انقلاب عاشقانه به خدمت محرومین و روستائیان شتافتند؟ صف طولانی داوطلبان شهادت در جبهه های جنوب و غرب کشور را چه کسانی تشکیل می دهند؟ چه کسانی در شهرهای مقاوم جنوب و غرب کشور بیش از یک سال در زیر بمبارانها جهاد



مسائل دقیق تر پرداخته و شیوه برخورد حاکم اسلامی با مردم را بر اساس تقسیم بندی که از مردم می کند، روشن می سازد.

باید کاری که بیش از همه دوست می داری، میانه روی در حق بوده و کاری باشد که بیش از همه عدالت و رضایت مردم را جلب نماید، زیرا نارضایتی توده های مردم،

در کار نباشد (و هم برای تو برابر نباشند) ظلم کرده ای! و کسیکه به بندگان خدا ظلم کند، غیر از مردم، خدا نیز دشمن او خواهد بود و کسیکه خدا با او دشمن باشد، برهانش باطل می شود و همچنان در جنگ با خداوند خواهد بود تا اینکه از ظلم دست کشیده و توبه نماید و هیچ چیز در تغییر نعمت های الهی و برانگیختن خشم خداوند مؤثرتر از ظلم و

پایمردی نموده و ایستادگی کردند؟ چه کسانی بار مشکلات عظیم اقتصادی را بدوش می کشند؟

و... چه کسانی زودتر از همه شهرهای جنوب و غرب را رها کردند؟ در کدام محلات تهران در جریان انقلاب هیچ خبری نبود؟ چه کسانی از نرفتن ارز به خارج کشور ناراحتند؟ چه کسانی از نبودن موز و آناناس و... ناراضی اند؟ و این جان کلام است: ستون دین و مایه استواری کشور و رزمندگان و پیکارگران، توده های محروم مردمند، ولی «خواص» از نظر مولا علی (ع) دارای این خصلتها می باشند: ۱- در راحتی و آسایش برای دولت بسیار گرانبار بوده و بیشترین توقع و خواسته های رفاهی و مصرفی را دارند. ۲- در هنگام گرفتاری و مشکلات

*** امام علی (ع) «مردم دوستی و اعتماد به توده های مستضعف را آنچنان مهم می داند که از مالک می خواهد حتی به سعایت سخن چنان توجهی نموده و عیوب احتمالی مردم را پوشاند.**

کمترین یاری را می نمایند ۳- بیش از همه از اجرای عدالت ناراضی اند، زیرا منافع آنان با اجرای عدالت بخاطر خواهد افتاد. ۴- در هنگام خواهش بیشترین اصرار و پافشاری را رواداشته و بهر قیمتی می خواهند به اهداف خود برسند. ۵- بیزتر از همه مردم عذرها را پذیرفته و پیوسته خود را طلبکار می دانند، ۶- در سختی های روزگار، مشکلات گوناگون اجتماع از همه کم طاقت تر بوده و زودتر از همه به آه و فغان می افتند. ای مالک! تو بعنوان نمونه یک حاکم سلامی باید تنها و تنها در اندیشه توده های مردم وده و باتمام وجود برای آنان تلاش نمائی و باید از قلبتای زورمند و زرمند هرچه بیشتر فاصله گیری. امام علی (ع) مردم دوستی و اعتماد به وده های مستضعف را آنچنان مهم می داند که از مالک می خواهد حتی به سعایت سخن چنان وجهی نموده و عیوب احتمالی مردم را پوشاند، حضرت در این مورد می فرماید:

اید دور دورترین و زشت ترین آنها، نزد تو بیب جوترین آنها باشد زیرا در مردم عیوبی ست که سزاوارترین کس برای پوشاندن ها، والی است، پس در عیوب پنهان آنان نتجکاری منما، زیرا تو باید ظاهر را پاک نائی و در مورد باطن مسائل، خداوند حکم بقیه در صفحه ۶۳

مصدر آستانه

سران دو کشور را به امریکا دعوت نمود تا در زیر سایه ارباب بزرگ به حل و فصل اختلافات بپردازند. این حرکت در حالی صورت می گرفت که سیاست سرکوب و خفقان در مصر به نهایت رسیده و بسیاری از آزادیخواهان مصری در زندانهای سادات بسر می بردند.

کارتر که دریافت بود شکست این مذاکرات بزرگترین لطمه را به حیثیت سیاسی او میزند، بیشترین تلاش خود را برای صلح به کار بست و مذاکرات سه جانبه امریکا-اسرائیل-مصر و یا کارتر- سادات- بگین شروع شد و پس از بحثهای چندی به نتیجه نشست و قرارداد تنگین کمپ دیوید بسته شد، این قرارداد که از یک مقدمه و ۹ ماده تشکیل میشد ابتدا بصورت ابتدا بصورت موافقت نامه صحرای سینا عنوان گردید این قرارداد شامل سه بخش عمده، توافق ها و تعهدات میان اسرائیل و مصر، تعهدات و وعده های اقتصادی و نظامی و سیاسی از سوی امریکا و قراردادهای فی مابین امریکا و اسرائیل می باشد.

نکات مهم قرارداد کمپ دیوید عبارت است از:

«صلح مستلزم احترام به حاکمیت، تمامیت اراضی و استقلال سیاسی تمام کشورهای منطقه و حق زیستن آنها در صلح و آرامش در داخل مرزهای مطمئن و شناخته شده و آزاد از تهدید یا اعمال زور است»

و چهار چوب صلح در بندهای زیر خلاصه میشود.

الف: ساحل غربی رود اردن و نوار غزه: ۱- مصر و اسرائیل و اردن و نمایندگان مردم فلسطین باید در مذاکرات مربوط به حل سه ساله فلسطین در تمام جنبه های آن شرکت کنند برای نیل به این هدف مذاکرات مربوط به کرانه غربی و غزه باید در سه مرحله انجام گیرد.

و سه مرحله آن شامل، یک دوره انتقالی، تشکیل دولت خودمختار منتخب در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه، و انعقاد معاهده صلح بین اردن و اسرائیل تا پایان دوره انتقالی است.

۲- تشکیل دو کمیته یکی برای رسیدگی به وضع نهایی کرانه غربی و غزه و دیگری از نمایندگان اسرائیل- اردن و نوار غزه در رابطه با عهدنامه صلح.

و درباره شرکت فلسطینی ها در تعیین آینده خود؟ در قرارداد کمپ دیوید چنین آمده است ۱-

بقیه در صفحه ۶۵

مستشاران نظامی و غیر نظامی روسی گامی دیگر در جهت وابستگی هرچه بیشتر به امریکا بود.

اری و بدین صورت و در جریان جنگ اکثر بود که پرده ریا و نفاق آرام آرام کنار رفته و چهره واقعی فرعون مصر نمایان شد. و مردم محروم مصر به خیانتهای این بازیچه و نوکر سرسپرد صهیونیزم و امپریالیزم پی بردند. پس از جنگ سادات در پی ایجاد خفقان در کشورش بود کوچکترین انتقاد ساده و حتی اصولی را پذیران بود هر کس کوچکترین ندای مخالفی سر میداد و یا لب به اعتراض می گشود بلا درنگ سراز گوشه زندان و یا تبعیدگاه در می آورد. پس از امضای قرارداد آتش بس با اسرائیل ژنرال شاذلی رئیس ستاد ارتش مصر بخاطر مخالفت با این قرارداد توسط سادات از کار برکنار شده و محمد حسنین هیکل از سردبیری روزنامه الاهرام بخاطر نوشتن مقاله ای در مخالفت با سیاستهای سادات عزل گردید.

سادات به اسرائیل سفر می کند

سادات این خانن به آرمانهای خلقهای آزادیخواه و استقلال طلب در مسیر سرسپردگی تابد آنجا پیش رفت که در صدد صلح و برسمیت شناخت دشمن دیرینه اسلام و اعراب یعنی رژیم غاصب صهیونیستی برآمد. وی پس از مدتی چون دید که همگام با سایر کشورهای مرتجع منطقه قادر به صلح با اسرائیل نیست خود نقش پیشاهنگی و پیشتازی صلح را بعهده گرفت و حتی اعلام نمود که حاضر است برای انجام صلح به هر نقطه دنیا حتی اسرائیل برود. مقامات صهیونیستی که منتظر بودند فرصت را غنیمت شمرده و از سادات دعوت کردند تا به اسرائیل رفته و در پارلمان به سخنرانی بپردازد، در پی این دعوت بود که سادات به سرزمین اشغال شده فلسطین سفر نمود و مذاکرات دوجانبه میان مصر و اسرائیل آغاز گشت سپس برای ادامه مذاکرات سادات از مقامات اسرائیلی دعوت نمود تا با حضور خویش در اسکندریه در جهت ایجاد صلحی پایدار؟ گام بردارند، ولی چون مذاکرات اسکندریه به ثمر نرسید و اختلافات میرفت به جنگی میان دو کشور تبدیل شود امریکا این ارباب بزرگ قدم به صحنه گذارد، امریکا که میدانست شروع جنگ در آن مقطع به منافع او در منطقه آسیب وارد میسازد عدم دخالت و سکوت را جایز شمرده و کارتر

۱۶ سال) یعنی در مجموع ۱۶ سال است که انجام میشود و در ضمن همین دوره های بنون سازماندهی که از نظر پیکار اخیراً بر سر شوق و شور آمده اند؛ توانسته اند در این مدت شاه را بیرون کرده و آمریکا را رسوا نمایند و با دست خالی بنون سازماندهی های انجمنی مورد نظر پیکاریها سه سال است که با تمام قدرتهای شرق و غرب می جنگند و همچنان هم مقاوم و استوار ایستاده اند و عجب آن است که در طول انقلاب همین پیکاریها و سایر رفقاییشان اظهار میداشتند که تظاهرات میلیونی مردم و شور و شوق آنان به جانی رفقاییشان اظهار میداشتند که تظاهرات رسید و بهات ضعف تشکیلاتی مردم وعدم وجود پیشتانز انقلابی این شور و شوق به یاس مبدل خواهد شد و تنها بایستی با سازماندهی مسلح توده ها ساز را بیرون کرد و بس و جلا معلوم نیست که کدام توده ها با کدام شور و شوق مبارزاتی متفوق انقلاب کردن هستند که با چشم معمولی نمیتوان آنها را دید و تنها تلسکوپهای سوپر مارکسیستی پیکاریها و همپالگیهایشان قادر بریوت آنهاند. اما نکته ای که در همین قسمت باید متذکر شد آن است که این توده ها بغرض وجود داشتن و مخالف رژیم بودن و علیرغم آنکه نیروهای پیکاری و شبه پیکاری فراوان از شجاعتها و شهامت هایشان داد سخن داده و آنها را «خلق قهرمان» خطاب میکنند چرا اینک از نظر پیکاریها به سکوت معنی دار مبتلا شده اند؟ اگر این خلق قهرمان اینقدر ترسو است که در اثر سرکوب رژیم سکوت را برگزیده است، پس پیکاریها با کدام نیرو میخواهند به مقاومت ادامه دهند؟ اساساً اگر سرکوب موجب سکوت توده ها میشود پس چرا سرکوب پانزده خرداد و هفده شهریور و اول محرم ۵۷ و روزهایی از این قبیل این خلق قهرمان را وادار به عقب نشینی و سکوت نکرد؟ حقیقت آن است که این جماعات نه مردم را شناخته اند و نه اساساً به نیروی مردم ایمان دارند و تنها بر ناهوهای پیش ساخته ای اعتقاد دارند که حتی اهم در اکثر موارد با «خویشترن فریبی» همراهِ میباشد

پیکار در بخش بعدی تحلیل خود وظایف پرورشی و فرهنگی در دوره مقاومت عقب نشینی کثرتی از نیروی مردمی در کشور را که بر مسئله تبلیغات و ایجاد و گسترش هرچه بیشتر سازمانهای توده ای انقلابی و هسته هایی که

بتواند متناسب با سطح مبارزات طبقه کارگر و توده های مقاومت آنها را در همه عرصه های پرورشی از مادی و رهبری نماید، اضافه مینماید که: «در شرایطی که شدت بحران کنونی درگیریهای وسیعی را میان انقلاب و ضدانقلاب بسیار محتمل میسازد و این امکان وجود دارد که جامعه با خیزشهای تندی از جانب توده ها روبرو باشد، و از آنجا که ممکن است جنگ داخلی، علیرغم تمایل ما از نقطه نظر زودرس بودن آن، به اعتبار عوامل و زمینه های موجود، آغاز گردد یکی از وظایف کمونیستها، تدارک نظامی و کسب آمادگی لازم برای نبردهای قهرآمیز محتمل در آینده در مقیاس سراسری جامعه میباشد، معنای این تدارک در شرایط کنونی، آمادگی رزمی و تدارکاتی نیروهای سیاسی از لحاظ تشکیلاتی، آموزش نظامی و تشکیل واحدهای رزمی در رابطه با سازمانهای انقلابی است. این به هیچ وجه به معنای دست بردن به سلاح در شرایط حاضر نیست، همچنین تبلیغ شعار فعلی تسلیح توده ها و تشکیل واحدهای رزمی برای توده ها شعاری است زودرس و ناصحیح که به همین دلیل هم جنبه عملی به خود نخواهد گرفت. معنای سیاسی این وظیفه ترویج ایده قیام و مبارزه مسلحانه در میان توده ها و روشن کردن و آماده نمودن ذهن آنها نسبت به وظیفه آینده آنها میباشد.»

فرصت طلبی و پرونی این سازمان مارکسیستی - لنینیستی - مائونیستی زمانی آشکار میشود که این جملات را در کنار حرفهای سابق قرار داده و آنگاه قضاوت نمائیم. برای پی بردن به اوج و رشکستگی این گروهک آمریکائی همینقدر کافی است که سری به اعلامیه ها و تحلیلهای سابق آنها بزنیم و با حتی نگاهی به دیوارهای شهر بیندازیم تا قضیه کاملاً روشن شود. پیکاریها که از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی بر روی دیوارها جملاتی نظیر پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها مینوشتند....

.... و مطلب در اینجا ناتمام میماند. ناتمامی مطلب در این قسمت بصورتی بسیار گویا عشق مهدی را به امام و انقلاب و نفرت و خشم او را از کفار و منافقین نشان میدهد. درستی گواه است که چگونه مهدی در راه انجام نهدات و رسالات الهی و شتافتن به وادی شهادت یک لحظه بغور تردید راه نمیداد، یادش گرامی و راهش پررو باد.

مذاکرات چهار طرفی برای تعیین وضع نهایی - ۲. واگذاری موافقت خود به رای نمایندگان منتخب ساکنان کرانه غربی و غزه - ۳. دادن فرصت به نمایندگان برای تعیین طرز حکومت. ۴. اجازه ورود به اشخاصی که در سال ۱۹۹۷ از ساحل غربی و غزه آواره شده اند و همکاری مصر و اسرائیل بمنظور روشهای مورد توافق جهت دست یابی فوری عادلانه و دائمی حل مسأله پناهندگان.

و بدینگونه بود که قرار داد کمپ دیوید که تنگ ابدی سازش با دشمن قسم خورده اسلام بود، امضاء شد. به صهیونیستها اجازه تاسیس سفارت در قاهره داده شد و پرچم اسرائیل دشمن شماره یک مسلمانان در قلب قاهره به اهتزاز درآمد و این خود نشانه ای بود بر انتقال صهیونیست از سواحل کانال سوئز بداخل کشور.

این خون سیدالشهدا (ع) است

روز را برای مردم بگوئید و هم مفاسدی مترتب فعل این گروههاست که می خواهند جمهوری را بهم بزنند بنفع آمریکا یا به شوری اینها را تنب بدهید به مردم و هم جنبه اخلاقی را. و من اینجهت را باید عرض کنم کسانیکه به این پست بسیار مهم گماشته شدند خودشان داوطلب آمده اند و وارد در سا روحانیون و خطبا شده اند باید خودشان را تهد کنند و خودشان را با اخلاق اسلامی تط بدهند. عامل به احکام اسلام بشوند.

* اول باید خودمان را اصلاح کنیم کوشش کنیم انشاءالله خودمان اصلاح بشو! مردم را اصلاح کنیم، بدانند که انمه ما عمرشان را برای ترویج اسلام صرف کرده اند آنها یک سازش می خواستند بکنند همه چه مادی برایشان مهیا بود، لاکن خودشانرا از اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند.